

اطلاعات

هالتهای

زمانه همان زمین است



راه برآورفتست از معضلات و بحران‌های اجتماعی یا اقتصادی یا فرهنگی در سطح کشوری، تصمیم‌است ملی و همراهی دولت و ملت است، نه کوشش‌های فردی من یا تو یا او. با وجود این، کردار، نینک و رفتارهای نیکوی یک‌یک شهروندان نیز در بهبود اوضاع، اگر تأثیری چندان و کلان در وضعیت امروز نداشته باشد، آینده‌ای روشن را نوید می‌دهد. ایران امروز، حدود هشتاد میلیون جمعیت دارد که از این شمار، نزدیک پنجاه میلیون نفر، قادر به عمل و تأثیرگذاری عینی و ملموس بر وضعیت ملی و معنوی پرمیوانهای خود هستند. هر ایرانی هر روز می‌تواند گامی از کار دیگری بگشاید، یا دلی را شاد کند، یا خطایی را پیشند، یا از تجایی بگذرد، یا دستی را بگیرد یا گردنی را از وام برهاند یا… بدین ترتیب، روزانه میلیون‌ها گره باز می‌شود، میلیون‌ها دل شاد می‌شود، میلیون‌ها پرورنده خاتمه می‌یابد، میلیون‌ها دل گرم و امیدوار می‌شود. ایرهای ما علاوه از روی صدها هزار خانه کنار می‌رود. این مقدار گشایش و همدلی و خدمت‌رسانی، به‌ستم ملتی را شایستهٔ بهترین وضعیت در آینده و شایسته‌ترین حاکمان و مدیران می‌کند. مردمی که همدیگر را می‌بخشند و گره از کار فروخته می‌هم می‌کشایند و دست یکدیگر را می‌گیرند، چنان فرهنگ و فضایی در کشور خویش پدید می‌آورند که جز خوبان و نیکان بر آن مسلط نمی‌گردد. در روایت نویی است که همواره کسانی از جنس شما بر شما حکومت می‌کنند: «کما تکتونوا یولی علیکم»

از تأثیر حاکمان بر مردم، فراوان سخن گفته‌اند. سعدی نیز در

باب اول گلستان می‌گوید:

آورده‌اند که نوشکین‌روان عادل را در شش‌کارگاهی صید کباب کردند و نمک نپود. غلامی به دوستان رفت تا نمک آرد. نوشیروان گفت نمک به قیمت بستان تا ترسمی نشود و ده خراب نگردد. گفتند که این قدر چه خلل آید. گفت بنیاد ظلم در جهان اول اندکی بوده است، هر که آمد برو میزدی کرده را بدین غایت رسید.

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی

بر آوردن غلامان او درخت از بیخ اما دربارهٔ تأثیر مردم بر حاکمان و اوضاع زمانه نیز باید سخن گفت؛ چون هیچ ملتی در وضعیتی بهتر از آنچه شایستهٔ آن است، قرار نمی‌گیرد و هیچ مردمی در موقعیتی بدتر از آنچه سزاوار آن‌اند، گرفتار نمی‌شوند؛ مگر در کوتامدت یا بر اثر حادثه‌ای بیرون از اختیار انسان‌ها.

کشوری که در آن میلیون‌ها انسان به یک‌دیگر مهربانی می‌کنند و از خطای همدیگر می‌گذرند و دست یکدیگر را می‌گیرند و خیرخواه همدیگرند و خوش‌بختی خویش را به بهای تیره‌روزی دیگران نمی‌خواهند، هرگز و هرگز در بن‌بست و محصمه باقی نمی‌مانند، بله، برخی از مصائب و گرفتاری‌ها جز به سرانگشت سیاست و حکومت باز نمی‌شود و بسا گرهایی که جز دولت‌مردن از عهدهٔ گشودن آن برنمی‌آیند؛ اما سبخن در این است که در درازمدت و بلکه در میانمدت، همیشه مردمی که بهترین رفتارها را با یک‌دیگر داشته‌اند، بهترین وضعیت کشوری و موقعیت جهانی را یافته‌اند و شایسته‌ترین دولت‌مردان را بر سر کار آورده‌اند.

محال است که مردمی اهل عفو و گذشت و چشم‌پوشی از خطای همدیگر باشند، اما کسانی بر آنان حکومت کنند که کلوخ را با سنگ جواب می‌دهند و گشیش را با توپ و تانک می‌زنند. در جهان امروز، محال و مستع است که در کشوری مردم آن خرمند و آیندنگر و نودوست و دیگرنیوید و مظلوم‌نواز باشد. اما کسانی از لونی دیگر بر آن ملل مسلط گردد.

اما کسانی یگانه از رحم و رافت بر آن حکم برانند؟ زمانه، همان چیزی است که در زمین کوچه‌ها و خیابان‌ها می‌گذرد و زمین کوچه و خیابان، میدان عمل ماست.

کجگاه آموختنی

اهدای کتابخانه شخصی مرحوم دانش‌پژوه

اهدای کتابخانه شخصی مرحوم دانش‌پژوه به مرکز دایره‌المعارف اسلامی
مجموعه کتاب‌های روانشناخت دکتر محمد دانش‌پژوه؛ پزشک ارسته و حاذق بیمارستان دی به مجموعه‌های اهدایی به مرکز دایره المعارف بزرگ کاشانی تهران افزوده می‌شود. به گزارش ایکا، مجموعه کتاب‌های روانشناخت دکتر محمد دانش‌پژوه؛ پزشک وارسته و حاذق بیمارستان دی و فرزند رواندا محمد تقی دانش‌پژوه (املی)، صد و چهل و پنجمین مجموعه‌ای است که به مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی(تهان) اهدا می‌شود. این مجموعه دربره توجیه بنا بر وصیت مرحوم دکتر محمد دانش‌پژوه، در کنار گنجینه گرانقدر استاد ایرج افشار قرار خواهد گرفت و این احسانی اخلاقی و انسانی به پاس یاد دوستی صمیمانه شخصی وی و دوستی درینه پدرش محمدتقی دانش‌پژوه با ایرج افشار بوده است. مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی در پی این اقدام از پروانه قوامی؛ همسر مرحوم دانش‌پژوه و پیش‌نمازاده از نسوبین این خاندان مراتب سپاسگاری خود را اعلام کرد.

برگزاری نمایش بین المللی «سنخ خطای فارسی به مثابه میراث جهانی»

همایش بین المللی «سنخ خطای فارسی به مثابه میراث جهانی»، امروز در محل پژوهشگاه علوم و مطالعات فرهنگی برگزار می‌شود. از مجموعه‌ای این همایش می‌توان به بایسته‌های احیای سنخ، مباحث نظری و مفهومی تصحیح سنخ، سیر تکوین و تحول روش‌های تصحیح سنخ، بررسی انتقادی شیوه‌های تصحیح سنخ، سنخ‌های علمی مصححان، بررسی انتقادی من‌های تصحیح سنخ، دانش و آموزش تصحیح سنخ اشاره کرد.این نشست از ساعت ۸:۳۰ الی ۱۷در بزرگراه کردستان، خیابان دکتر آیتنمود (۶۴ غربی)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن‌های حکمت و اندیشه برگزار می‌شود. ظاهرو یی

نمایشگاه انفرادی نقاشی «دستگاه بازی ساز» افتتاح می‌شود
نمایشگاه انفرادی نقاشی «دستگاه بازی ساز» که شامل آثاری از شائلی مومنی است از گالری زمان هنر افتتاح می‌شود. هنرمند نمایشگاه انفرادی نقاشی «دستگاه بازی ساز» شائلی مومنی جمعه ۱۶شهریور سال ۱۶ الی ۲۰ در گالری زمان هنر برگزار می‌شود. این مجموعه طی یک سال شکل گرفته است و شامل ۲۲ اثر در ابعاد مختلف است که در نهایت ۱۲ اثر را تشکیل داده است، برای اجرای این آثار از رنگ اکریک بر روی بوم استفاده شده و سعی بر این بوده است که بین فرم های عینی و انتزاعی توازن برقرار شود.
این نمایشگاه تا چهارشنبه ۲۹شهریور ماه دارم اداره و ساعت بازدید از آن از ساعت ۱۱ الی ۱۸ است. گالری زمان هنر در تهران-زعفرانیه- خیابان آصف-کوچه پرویز وهابی-پلاک ۱۴ واقع است.

تجاری «ملمان» و نمایشگاه گروهی «نظر بهای هنر در هنر ماهی»

نمایشگاه گروهی «تجربه های نو در هنرهای تجسمی» با آثارنقاشی و نقاشیخط از ۱۶ تا ۲۱ شهریور در گالری شلمان برپا می‌شود.

این نمایشگاه جمعه ۱۶ شهریور ساعت ۱۶ تا ۲۰ و ۳۰ و دقیقه افتتاح می‌شود وعلافاً مدنان دیدار از آن می‌توانند در روز شنبه برگزار کنند وساعت ۱۰ تا ۱۲ دقیقه تا ۲۰ به گالری شلمان به نشانی خیابان میرداماد، نرسیده به شرعیتی، رودبارغربی (جنوبی)، کوچه کاسوی، شماره ۲۷ مراجعه کنند.

تکلیف دیگر به سرزمین مادری در گالری «ساربان»
نمایشگاه نقاشی‌های علی جهانگرد(قصری) با عنوان «خانه اگر هست…» و با نگاهی به ویرانی و خرابی‌های حاصل از جنگ ، ۱۶ شهریور در گالری ساربان افتتاح می‌شود.
این نمایشگاه تا دوشنبه بیست و ششم شهریور ادامه خواهدداشت.
علاقه مدنان می‌توانند برای تماشاى آثار همه روزه به جز سه شبه‌ها از ساعت ۱۶ تا ۲۰ به گالری ساربان به نشانی شهروز شمالی، هویزه غربی، نیش خیابان شهیدبوسی، شماره۱۳ مراجعه‌کنند.

«نظر بهای هنر و نظریه‌های فرهنگ» در پژوهشگاه هنر
دهمین درگستفاز (سلسله درسیک‌های تخصصی نظری به نقد هنر» با عنوان «نظریه‌های هنر و نظریه‌های فرهنگ» با سخنرانی دکتر احمد پاکباز در پژوهشگاه هنر فرهنگستان هنر برگزار می‌شود.
این کارگاه در ارتباط عمومی پژوهشگاه هنر، در این درگستفاز دکتر احمد پاکباز، نشانه‌نما،ر، دانشیار دانشگاه امام صادق (ع) و عضو شورای عالی داتر معارف، بزرگ اسامی با موضوع «نظریه‌های هنر و نظریه‌های فرهنگ» سخنرانی می‌کند.

این درگستفاز شنبه ۲۰ شهریور، ساعت ۱۸ تا ۱۸ در پژوهشگاه هنر به نشانی تهران، خیابان ولیعصر، پلازا از خیابان امام خمینی، نبش کوچه شهید حسن سنخور، شماره ۲۹ برگزار می‌شود.

سر دیس هخامنشی به تخت جمشید بازمی‌گردد

رئیس سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری گفت: سر دیس هخامنشی پس از بازگرداندن‌های لازم در اسرع وقت به ایران بازگردانده می‌شود و در جای اصلی خود در تخت جمشید قرار می‌گیرد.

به گزارش ایلنا، علی اصغر موسنان، معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دست‌ی و گردشگری، با اعلام خبر بازگشت سر دیس هخامنشی به تخت جمشید گفت: این قطعه تاریخی مربوط به بالاته، سسر سراز هخامنشی و نیزه است که در سال ۱۹۳۶ از ایوان جنوبی کاخ ششورا ربوده شده بود و در نهایت پاییز سال ۲۰۱۷ قرار بود که این اثر تاریخی در نمایشگاهی در نیویورک به نمایش گذاشته شود و پس از آن در حراجی عرضه شود.

او تصریح کرد: سازمان میراث فرهنگی بلافصله پس از اطلاع از این موضوع اقدامات حقوقی خود را آغاز کرد و خوشبختانه با هماهنگی مرکز خدمات حقوقی ریاست جمهوری، مرکز لاهه، صنایع امور خارجه و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دست‌ی و گردشگری، ثابت شد که این شیء، تاریخی متعلق به ایران است و دادستانی نیویورک حکم استرداد آن به کشورمان را صادر کرد.

معاون رئیس جمهوری اضافه کرد: این سر دیس هخامنشی پس از هماهنگی‌های لازم در اسرع وقت به کشورمان بازگردانده می‌شود و در جای اصلی خود در ایوان جنوبی کاخ شورا در تخت جمشید قرار می‌گیرد.

رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دست‌ی و گردشگری افزود: این شیء، تاریخی هم‌اکنون در اختیار جمهوری اسلامی ایران است و تلاش خواهیم کرد طی روزهای آینده شرایط بازگشت آن را فراهم کنیم.

موسنان با تأکید بر اینکه اقدامات و پیگیری‌های سازمان میراث فرهنگی برای بازگرداندن اشیای تاریخی کشورمان ادامه دارد، گفت: بازگشت این



شیء، تاریخی ارزشمند جای خوشحالی دارد و این موفقیت را به مردم و فرهنگ دوستان تریک می‌گویم. باید ذکر است، کاخ معلمی خوشرو روز سمنه به درگفت، با خبرنگاران ایرانی افزود: خوشحالم که توانستم نقش برجسته سر سراز هخامنشی را از دادستانی نیویورک تحویل بگیرم.»او افزود، «این اثر ۹۰ سال پیش در ایران کشف و پس از چند سالی از ایران خارج شد».

نماینده دائم ایران در سازمان ملل ادامه داد: «این اثر تاریخی سسال گذشته در حراجی نیویورک کشف و به ایران اساده به دادستانی نیویورک مشخص شد که متعلق به مردم ایران است و به‌صورت غیرقانونی به فروش گذاشته شد».

خوشرو با بیان اینکه دادستانی نیویورک بر اساس اسناد ارائه‌شده از سوی ایران، فروش این اثر را متوقف کرد گفت: «رسیدگی به ادعای مالکان دروغ‌ین این امر ۱۱ ماه به طول انجامید و مشخص شد که این اثر از ایران سر شده و قاچاقچیان آن را دست‌به‌دست کرده‌اند».

او افزود: «امروز با همکاری دادستانی

اخبار داخلی

سر دیس هخامنشی به تخت جمشید بازمی‌گردد

نیویورک این اثر به ایران بازگشت داده شد و لازم است از کلیه کسانی که در بازگرداندن این اثر تلاش کردند، تشکر کنم و همکاری خوبی به قاضی و دادستان برای احقاق حق جمهوری اسلامی در بازگرداندن این اثر به‌جای آورند.»
نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد ادامه داد: «میراث عمومی بشر همین آثار فرهنگی و تاریخی است و باید در سطح جهانی همکاری گسترده‌ای برای مقابله با قاچاق اشیا و اقال فرهنگی به وجود آید و دهه‌هایی که در این کار فعال هستند، باید تقویت شوند».

خوشرو اضافه کرد: «ایران کشوری با سابقه تمدنی بسیار گسترده است، از اینکه آثار این تمدن توسط سوجویان مورد حمله و دستبرد گرفته، تأسفادآور است».

او تأکید کرد: «این رای دادگاه نشان داد که سرفت آثار تاریخی و تمدنی یک کشور، عاقبت خوشتی ندارد و باید در جایگاه خود قرار گیرد».

سردیس سراز هخامنشی در سال ۱۹۳۳ توسط باستان شناسان موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو کشف و در سال ۱۹۳۶ به سرعت رفت. این اثر پس از چند بار دست‌به‌دست شدن در پاییز ۲۰۱۷ برای حراج از کانادا به نیویورک رسید. این اثر از سال ۱۹۵۱ تا ۲۰۱۱ در کانادا بود، است.

پس از انتقال این اثر به حراجی نیویورک، شواهدی از دزدی این اثر به پلیس و دادستانی گزارش شد و دادستانی نیز با اذعان به مسروقه بودن آن دستور توقف داد. جمهوری اسلامی ایران در اکتبر ۲۰۱۷ با ارائه مدارک مالکیت، استرداد این اثر تاریخی را از دادگاه نیویورک درخواست کرد.

دادگاه هم در ۱۱ جولای ۲۰۱۸ رأی نهایی خود را بر این استرداد اثر به ایران اعلام کرد و درنهایت در تاریخ ۴ سپتامبر (۱۳ شهریور) تحویل نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد شد.

«معرفی مجموعه اسناد مربوط به د دکتر قاسم غنی در دانشگاه ییل»

در بخش ایران‌شناسی کتابخانه ملی



به جای دریافت حق‌العلاج از بیماران از این دست، می‌خواست‌ست این اگر مدارک و اسناد قدیمی در اختیار ایشان باقی مانده است و در اختیار او قرار دهند. بسیاری از مدارک این مجموعه با توجه به اهمیت آنان، بویژه این‌ها بر بخشی از جایی بدست آمده نشان می‌دهد این جمع آوری تدریجی است.

دکتر فیروزمند که استاد روسیه جدید در بخش تاریخ دانشگاه ییل بوده همان کسی است در سال ۱۹۳۲ (۱۳۵۱)میلادی، خورشیدی مجموعه اسناد غنی را از آقای سیروس غنی؛ فرزند قاسم غنی برای کتابخانه استرلینگ خریداری کرده است.

او در جمع بندی، با توجه به این نقل قول، ذکر

چند نکته را ضروری دانست: نخست آنکه قاسم غنی در تهران طبابت می‌کرد و به جای دستمزد، اسناد و نسخ خطی طلب می‌کرد، محل تامل

است. زیرا غنی در تهران بزرگ مشاغل سیاسی و فرهنگی بوده و وقت طبابت نداشته است، نکته

بعدی بسیار مهم مسئله اتقان اسناد دولتی به مجموعه خصوصی دکتر غنی است و اینکه چرا این اسناد

به کتابخانه ملی ایران، کتابخانه دانشگاه تهران و یا کتابخانه مجلس اهدا و یا فروخته نشد. ظاهراً دکتر

تاریخی یادداشت‌های غنی خود را در اختیار داشتن پشت پرده بسیاری از حوادث مهم دوران مانند

ماجرای خواستگاری و طلاق فوزیه، پی بردن به صف‌ها و کاستی‌های نظام دولت و تصمیمات دولتی، پرده‌برداری از فساد و بی‌کفایتی در مجموعه

نهادهای دولت و جالب آنکه غنی درست‌خلاف اسلامه علم می‌نویسد. علم داتر از شاه تعریف می‌کند اما غنی حتی از وازه اعظمیضرت هم استفاده

معرفی و تشریح بخش‌های مختلف این مجموعه به وسبب است؛ گفت: مجموعه غنی در مرکز اسناد و دست نوشته‌های کتابخانه استرلینگ (

Sterling Memorial Library)در دانشگاه ییل، اسنادی ارزشمند دوران قاجار به زبان فارسی است. بیشتر این اسناد در باب عملکرد حکومت

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی است؛ اما بخشی نیز در باب روابط ایران با سایر کشورهای خاورمیانه و اروپا است. او این مجموعه را بین سال‌های

۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ از منابعی مختلف، ازجمله نوادگان سپه، بهرادر پرهان؛ پژوهشگر دانشگاه ییل

آمریکا درباره این مجموعه مطالبی ارائه داد و ضمن آنکه غنی حتی از وازه اعظمیضرت هم استفاده

معرفی و تشریح بخش‌های مختلف این مجموعه به وسبب است؛ گفت: مجموعه غنی در مرکز اسناد و دست نوشته‌های کتابخانه استرلینگ (

Sterling Memorial Library)در دانشگاه ییل، اسنادی ارزشمند دوران قاجار به زبان فارسی است. بیشتر این اسناد در باب عملکرد حکومت

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی است؛ اما بخشی نیز در باب روابط ایران با سایر کشورهای خاورمیانه و اروپا است. او این مجموعه را بین سال‌های

۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ از منابعی مختلف، ازجمله نوادگان سپه، بهرادر پرهان؛ پژوهشگر دانشگاه ییل

آمریکا درباره این مجموعه مطالبی ارائه داد و ضمن آنکه غنی حتی از وازه اعظمیضرت هم استفاده

معرفی و تشریح بخش‌های مختلف این مجموعه به وسبب است؛ گفت: مجموعه غنی در مرکز اسناد و دست نوشته‌های کتابخانه استرلینگ (

Sterling Memorial Library)در دانشگاه ییل، اسنادی ارزشمند دوران قاجار به زبان فارسی است. بیشتر این اسناد در باب عملکرد حکومت

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی است؛ اما بخشی نیز در باب روابط ایران با سایر کشورهای خاورمیانه و اروپا است. او این مجموعه را بین سال‌های

۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ از منابعی مختلف، ازجمله نوادگان سپه، بهرادر پرهان؛ پژوهشگر دانشگاه ییل

آمریکا درباره این مجموعه مطالبی ارائه داد و ضمن آنکه غنی حتی از وازه اعظمیضرت هم استفاده

معرفی و تشریح بخش‌های مختلف این مجموعه به وسبب است؛ گفت: مجموعه غنی در مرکز اسناد و دست نوشته‌های کتابخانه استرلینگ (

Sterling Memorial Library)در دانشگاه ییل، اسنادی ارزشمند دوران قاجار به زبان فارسی است. بیشتر این اسناد در باب عملکرد حکومت

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی است؛ اما بخشی نیز در باب روابط ایران با سایر کشورهای خاورمیانه و اروپا است. او این مجموعه را بین سال‌های

۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ از منابعی مختلف، ازجمله نوادگان سپه، بهرادر پرهان؛ پژوهشگر دانشگاه ییل

آمریکا درباره این مجموعه مطالبی ارائه داد و ضمن آنکه غنی حتی از وازه اعظمیضرت هم استفاده

معرفی و تشریح بخش‌های مختلف این مجموعه به وسبب است؛ گفت: مجموعه غنی در مرکز اسناد و دست نوشته‌های کتابخانه استرلینگ (

Sterling Memorial Library)در دانشگاه ییل، اسنادی ارزشمند دوران قاجار به زبان فارسی است. بیشتر این اسناد در باب عملکرد حکومت

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی است؛ اما بخشی نیز در باب روابط ایران با سایر کشورهای خاورمیانه و اروپا است. او این مجموعه را بین سال‌های

۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ از منابعی مختلف، ازجمله نوادگان سپه، بهرادر پرهان؛ پژوهشگر دانشگاه ییل

آمریکا درباره این مجموعه مطالبی ارائه داد و ضمن آنکه غنی حتی از وازه اعظمیضرت هم استفاده

معرفی و تشریح بخش‌های مختلف این مجموعه به وسبب است؛ گفت: مجموعه غنی در مرکز اسناد و دست نوشته‌های کتابخانه استرلینگ (

Sterling Memorial Library)در دانشگاه ییل، اسنادی ارزشمند دوران قاجار به زبان فارسی است. بیشتر این اسناد در باب عملکرد حکومت

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی است؛ اما بخشی نیز در باب روابط ایران با سایر کشورهای خاورمیانه و اروپا است. او این مجموعه را بین سال‌های

۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ از منابعی مختلف، ازجمله نوادگان سپه، بهرادر پرهان؛ پژوهشگر دانشگاه ییل

آمریکا درباره این مجموعه مطالبی ارائه داد و ضمن آنکه غنی حتی از وازه اعظمیضرت هم استفاده

معرفی و تشریح بخش‌های مختلف این مجموعه به وسبب است؛ گفت: مجموعه غنی در مرکز اسناد و دست نوشته‌های کتابخانه استرلینگ (

Sterling Memorial Library)در دانشگاه ییل، اسنادی ارزشمند دوران قاجار به زبان فارسی است. بیشتر این اسناد در باب عملکرد حکومت

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی است؛ اما بخشی نیز در باب روابط ایران با سایر کشورهای خاورمیانه و اروپا است. او این مجموعه را بین سال‌های

۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ از منابعی مختلف، ازجمله نوادگان سپه، بهرادر پرهان؛ پژوهشگر دانشگاه ییل

آمریکا درباره این مجموعه مطالبی ارائه داد و ضمن آنکه غنی حتی از وازه اعظمیضرت هم استفاده

معرفی و تشریح بخش‌های مختلف این مجموعه به وسبب است؛ گفت: مجموعه غنی در مرکز اسناد و دست نوشته‌های کتابخانه استرلینگ (

Sterling Memorial Library)در دانشگاه ییل، اسنادی ارزشمند دوران قاجار به زبان فارسی است. بیشتر این اسناد در باب عملکرد حکومت

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی است؛ اما بخشی نیز در باب روابط ایران با سایر کشورهای خاورمیانه و اروپا است. او این مجموعه را بین سال‌های

۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ از منابعی مختلف، ازجمله نوادگان سپه، بهرادر پرهان؛ پژوهشگر دانشگاه ییل

آمریکا درباره این مجموعه مطالبی ارائه داد و ضمن آنکه غنی حتی از وازه اعظمیضرت هم استفاده

معرفی و تشریح بخش‌های مختلف این مجموعه به وسبب است؛ گفت: مجموعه غنی در مرکز اسناد و دست نوشته‌های کتابخانه استرلینگ (

Sterling Memorial Library)در دانشگاه ییل، اسنادی ارزشمند دوران قاجار به زبان فارسی است. بیشتر این اسناد در باب عملکرد حکومت

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی است؛ اما بخشی نیز در باب روابط ایران با سایر کشورهای خاورمیانه و اروپا است. او این مجموعه را بین سال‌های

۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ از منابعی مختلف، ازجمله نوادگان سپه، بهرادر پرهان؛ پژوهشگر دانشگاه ییل

آمریکا درباره این مجموعه مطالبی ارائه داد و ضمن آنکه غنی حتی از وازه اعظمیضرت هم استفاده

معرفی و تشریح بخش‌های مختلف این مجموعه به وسبب است؛ گفت: مجموعه غنی در مرکز اسناد و دست نوشته‌های کتابخانه استرلینگ (

Sterling Memorial Library)در دانشگاه ییل، اسنادی ارزشمند دوران قاجار به زبان فارسی است. بیشتر این اسناد در باب عملکرد حکومت

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی است؛ اما بخشی نیز در باب روابط ایران با سایر کشورهای خاورمیانه و اروپا است. او این مجموعه را بین سال‌های

۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ از منابعی مختلف، ازجمله نوادگان سپه، بهرادر پرهان؛ پژوهشگر دانشگاه ییل

آمریکا درباره این مجموعه مطالبی ارائه داد و ضمن آنکه غنی حتی از وازه اعظمیضرت هم استفاده

معرفی و تشریح بخش‌های مختلف این مجموعه به وسبب است؛ گفت: مجموعه غنی در مرکز اسناد و دست نوشته‌های کتابخانه استرلینگ (

Sterling Memorial Library)در دانشگاه ییل، اسنادی ارزشمند دوران قاجار به زبان فارسی است. بیشتر این اسناد در باب عملکرد حکومت

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی است؛ اما بخشی نیز در باب روابط ایران با سایر کشورهای خاورمیانه و اروپا است. او این مجموعه را بین سال‌های

۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ از منابعی مختلف، ازجمله نوادگان سپه، بهرادر پرهان؛ پژوهشگر دانشگاه ییل

آمریکا درباره این مجموعه مطالبی ارائه داد و ضمن آنکه غنی حتی از وازه اعظمیضرت هم استفاده

معرفی و تشریح بخش‌های مختلف این مجموعه به وسبب است؛ گفت: مجموعه غنی در مرکز اسناد و دست نوشته‌های کتابخانه استرلینگ (

Sterling Memorial Library)در دانشگاه ییل، اسنادی ارزشمند دوران قاجار به زبان فارسی است. بیشتر این اسناد در باب عملکرد حکومت

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی است؛ اما بخشی نیز در باب روابط ایران با سایر کشورهای خاورمیانه و اروپا است. او این مجموعه را بین سال‌های

۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ از منابعی مختلف، ازجمله نوادگان سپه، بهرادر پرهان؛ پژوهشگر دانشگاه ییل

آمریکا درباره این مجموعه مطالبی ارائه داد و ضمن آنکه غنی حتی از وازه اعظمیضرت هم استفاده

معرفی و تشریح بخش‌های مختلف این مجموعه به وسبب است؛ گفت: مجموعه غنی در مرکز اسناد و دست نوشته‌های کتابخانه استرلینگ (

Sterling Memorial Library)در دانشگاه ییل، اسنادی ارزشمند دوران قاجار به زبان فارسی است. بیشتر این اسناد در باب عملکرد حکومت

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی است؛ اما بخشی نیز در باب روابط ایران با سایر کشورهای خاورمیانه و اروپا است. او این مجموعه را بین سال‌های

۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ از منابعی مختلف، ازجمله نوادگان سپه، بهرادر پرهان؛ پژوهشگر دانشگاه ییل

آمریکا درباره این مجموعه مطالبی ارائه داد و ضمن آنکه غنی حتی از وازه اعظمیضرت هم استفاده

معرفی و تشریح بخش‌های مختلف این مجموعه به وسبب است؛ گفت: مجموعه غنی در مرکز اسناد و دست نوشته‌های کتابخانه استرلینگ (

Sterling Memorial Library)در دانشگاه ییل، اسنادی ارزشمند دوران قاجار به زبان فارسی است. بیشتر این اسناد در باب عملکرد حکومت

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی است؛ اما بخشی نیز در باب روابط ایران با سایر کشورهای خاورمیانه و اروپا است. او این مجموعه را بین سال‌های

۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ از منابعی مختلف، ازجمله نوادگان سپه، بهرادر پرهان؛ پژوهشگر دانشگاه ییل

آمریکا درباره این مجموعه مطالبی ارائه داد و ضمن آنکه غنی حتی از وازه اعظمیضرت هم استفاده

معرفی و تشریح بخش‌های مختلف این مجموعه به وسبب است؛ گفت: مجموعه غنی در مرکز اسناد و دست نوشته‌های کتابخانه استرلینگ (

Sterling Memorial Library)در دانشگاه ییل، اسنادی ارزشمند دوران قاجار به زبان فارسی است. بیشتر این اسناد در باب عملکرد حکومت

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی است؛ اما بخشی نیز در باب روابط ایران با سایر کشورهای خاورمیانه و اروپا است. او این مجموعه را بین سال‌های

۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ از منابعی مختلف، ازجمله نوادگان سپه، بهرادر پرهان؛ پژوهشگر دانشگاه ییل

آمریکا درباره این مجموعه مطالبی ارائه داد و ضمن آنکه غنی حتی از وازه اعظمیضرت هم استفاده

معرفی و تشریح بخش‌های مختلف این مجموعه به وسبب است؛ گفت: مجموعه غنی در مرکز اسناد و دست نوشته‌های کتابخانه استرلینگ (

Sterling Memorial Library)در دانشگاه ییل، اسنادی ارزشمند دوران قاجار به زبان فارسی است. بیشتر این اسناد در باب عملکرد حکومت

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی است؛ اما بخشی نیز در باب روابط ایران با سایر کشورهای خاورمیانه و اروپا است. او این مجموعه را بین سال‌های

۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ از منابعی مختلف، ازجمله نوادگان سپه، بهرادر پرهان؛ پژوهشگر دانشگاه ییل

آمریکا درباره این مجموعه مطالبی ارائه داد و ضمن آنکه غنی حتی از وازه اعظمیضرت هم استفاده

معرفی و تشریح بخش‌های مختلف این مجموعه به وسبب است؛ گفت: مجموعه غنی در مرکز اسناد و دست نوشته‌های کتابخانه استرلینگ (

موافقان و مخالفان زنده یاد جلال آل احمد، طیف گسترده و رنگارنگی را تشکیل می دهند؛ به نحوی که در یک سر این طیف «بازگشت به جلال» سخن گفته می شود و در سر دیگرش از «زوال جلال».

مصادق مورد اول، همایشی است با عنوان «بازگشت به جلال» که در اواخر آذرماه سال گذشته

روزی(روزنامه نگار وابسته به رژیم پهلوی) ابتدا تلاش کرد تا جلال را از طریق پیشسهنداعزام به هند به عنوان رایزن فرهنگی طمع کند و چون با مخالفت جلال روبرو شد، دست به تهدید زد و صراحتا البته موضوع جعل و تحریف می کشیم تارمیدات بتوانند از تو یک شهید بسازند، بلکه روزی کامیونی از سر اتفاق ترمز می برد،

نظریه پسرذ را منتقد در دهه های سی و چهل شمسی و زخم های ناشی از ضربات انتقادی او اقتدر عمیق است که از محدوده نسل ها هم گذشته و هنوز آتش کینه سوزی و انتقام جویی از او تابیا زنده یاد جلال آل احمد، هنوز هم نردبان بلندی است که هر کس میل به ارتقاغ گرفتن دارد،

به مناسبت ۱۸ شهریور، سالروز درگذشت زنده یاد جلال آل احمد

حیف است که جلال واقعی ناشناخته بماند

محمد حسین دانایی

اجتمع علمیه خاندنچیز زبان ولایت فارس بزرگوهر کشت

کفتوهای در ادبیات معاصر (۳)

بازگشت به جلال

(جلال آل احمد: از دستان تافتکو)



احمد علامه: نسبت تفکر آل احمد با ادبیات

در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران برگزار شد و این سؤال ها را ایجاد کرد: چرا بازگشت؟ چرا به جلال؟ به کدام جلال؟.. جلالی که طی پنجاه سال اخیر به کرات مورد دخل و تصرف قرار گرفته و مصادره به مطلوب شده است، یا به جلال واقعی که می تواند الگویی شایسته و آبرومند برای روشنفکران کشور باشد؟ در آن همایش کسی به این سؤالات پاسخ نداد.

مصادق گرینهٔ دوم در طیف مزبور هم انتشار ویژه نامهٔ یکی از نشریات کشورمان است که در فروردین ماه سال گذشته منتشر شده؛ آن هم با عنوان درشت «زوال جلال» آن نشریه ۵۰ سالگی «مبیر مدرسه» را بهانه کرده بود برای زدن چند چوب به جنازهٔ جلال. کاری شبیه آنچه پنجاه و چهار سال پیش «ناصر وثوقی» می خواست بکند تا انتشارات ویژه نامه ای از مجلهٔ «اندیشه و هنر».

در بسازهٔ هر دو گرینهٔ مزبور نکاتی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد و گرینه کارشناس ابر خواد ماند.

لکته مهم و قابل ذکر در مورد موضوع بازگشت این است که در شرایط کنونی، «بازگشت به جلال» در صورتی مطلوب بوده و جریان بود و به درد روشنفکر و جریان روشنفکری امروز ایران خواهد

شهریور ماه، عده‌ای از جوانان و فرزندان این مملکت که در آزمون ورودی دانشگاه‌ها شرکت کرده‌اند، منتظر اعلام نتایج هستند و عده‌ای دیگر برای سال تحصیلی جدید مدارس آماده می‌شوند. علیرغم حرف و حدیث‌هایی که در طول سال در رابطه با مقولهٔ آموزش و پرورش ذکر می‌شود، در این ماه، حرف و حدیث‌ها بیشتر می‌گردد و نکاتی هم در این بین مغفول واقع می‌گردد، زیرا حرف‌ها بیشتر حول مسائل کمی است و نه مسائل کیفی. مثل گذشته که بحث نظام قدیم و نظام نر-واحدی در کانون توجهات قرار داشت.

معهدا عمده‌تا از مسائل اصلی غفلت می‌کنیم. کودکان و نوجوانان و جوانان ما در دوران تحویل -از مهدکودک تا دانشگاه با دروس متعددی سر و کار دارند. دروس عمومی، دروس تخصصی و انواع آموزش‌های نظری و عملی. دروسی که قرار است دانش و مهارت به آنها بیاموزد. با این حال، شواهد و آمارها حاکی از آن است که این دو مقوله (دانش و مهارت) از سطح کیفی مناسب هم برخوردار نیستند. لذا ناتوانی در امر تربیت نیروی متخصص و کاردارن برای کشور، در حال و به خصوص در آینده، مشکلاتی بوجود می‌آورد. علیرغم این مسائل، بنده در این مطلب به نکته دیگری نظر دارم که عجالتا مهمتر از نکات دیگر است. آن نکته مهم، جایگاه «دروس زندگی» در کتاب‌های مدارس و دانشگاه‌ها است. در همه جوامع، وظیفهٔ تعلیم و تربیت برعهده نهاد آموزش و پرورش به معنای کلی آن است. علیرغم پرداخت کلی و درستی از این نهاد که همان وزارت آموزش و پرورش است، در کتابی جدید تحت عنوان «گفت‌وگو با روشنفکران» که توسط نشر اتاق آبی «چاپ ۱۳۹۷» منتشر شده، از قول استاد محترم فلسفه اخلاق، آقای مصطفی ملکیان ذکر شده که نهاد به معنای جامع‌شناختی آن شامل وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خطیبان، واعظان و سخنرانان، صدا و سیما، و همهٔ آنهایی که آگاهانه یا ناآگاهانه در حال تربیت افراد جامعه هستند. مدنظر است، اما همان طور که ایشان ذکر کرده‌اند، مهمترین بخش از امر تعلیم و تربیت، به عهده نهاد آموزش و پرورش به معنای اخص آن است. با این حال، در مدارس ما آنچه که به عنوان «دروس زندگی» از آنها یاد می‌شود، وزن قابل قبولی ندارند. جوانان ما در حالی از مدارس و متعاقب آن، از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل می‌شوند که در آموزش «دروس زندگی» به آنان، کارچندانی صورت نگرفته است. از فیزیک، شیمی، هندسه، ریاضی، تاریخ،



بسر پله ای از پله‌ه های آن پای می نهد تا بالاتر برود و دیده شود. تا اینجای قضیه عادی است و اشکال چندانی هم ندارد. اما قضیه وقتی تأسف بار می شود که اینگونه برخورد‌های هیجانی و بی مطالعه، جای تحلیل علمی افکار و آثار این نویسنده را بگیرند و مانع شناخت اوی «واقعی» شوند.

بنابراین،هیچ یک از دو گرینهٔ مزبور، یعنی روی آوردن ها یا روی گرداندن های شتابزده و هیجانی؛ نه تنها موجب روشنگری نمی شوند و چراغی را به دست جویندگان راه نمی دهند، بلکه به آشفته بازار کنونی تاج کل از طرف نخست وزیر روی قبرت می گذاریم! در سال های بعد، همان پروژهٔ جعل و تحریف با کمی ویرایش و اصطلاحا به روز رسانی، ادامه یافت و ششمایی از جلال ساخته شود شبیه یک تواب شرمسار از اشتباهات دوران جوانی و بازگشته به اینشور مآلوف سنت و البته کاملاً هم رام و بی خطر؛ آنچنان که بتوان از او یک الگوی سفارشی برای روشنفکران نسل بعدی ساخت.

از سوی دیگر، گرینهٔ‌بیشتر احساسی و تحریک‌آمیز «زوال جلال» هم دو واقعیتی را نشان می دهد: اولاً اثر گذاری افکار و اندیشه های مرحوم آل احمد به عنوان یک

وادی ادبیات

جلال را غم و غصهٔ این مردم و روزگار کشت!

علی حاج ابوالفتح –عضو هیأت علمی دانشگاه زنجان



که باید، انجام شد و البته هم که با سیمین خاتم تماس گرفتیم و برای ملاقاتش اجازه خواستیم. با مائین شرکت رفتیم. حلال در بن بست ارض و جلوی در خانهٔ دایی جلال و سیمین خاتم ایستاده بودم. با دسته گلی و جعبه ای شیرینی و تعدادی کتاب بسته بندی شده در دست. دکمهٔ زنگ را فشردم و لحظاتی بعد، زهرا خاتم، یاور و همخانهٔ ای سیمین خاتم، در را گشود و با صدای بلند و رسای خود سلام را پاسخ گفت و مرا به داخل دعوت کرد.

داخل شدم. سیمین خاتم میهمان داشت، خاتم و آقای دکتر... از دوستان قدیمی که بعد از مدت کوتاهی خداحافظی کردند و رفتند. تنها که شددیم، سلام دایی شمس را رساندم و عذرخواهی کردم که مزاحمش شدم ام. در پاسخم گفت: «علی جان، من با کسی روزیاستی ندارم، اگر از کسی خوشم نیاید، همان پسای تلقن به او می گویم دوست ندارم به خانه ام بایی و اگر به کسی بگویم که بیاید، یعنی که دوستم دارم بینمش. و حالا هم خوشحالم که اینجایی و می بینمت و هیچ هم مزاحم نیستی» و این کلام را سیمین خاتم با چنان

***سیمین خاتم درپاسخ به سؤال من راجع به مرگ جلال گفت: «من فکر می کنم که دایی ات را غم و غصهٔ این مردم و روزگار کشت. تو چنین فکر نمی کنی...»**

صلابت و قاطعیتی ادا کرد که هیچ وقت فراموش نمی کنم. سیمین خاتم، فکر می کنم که دوستم داشت دودادور از حال و روز فامیل جلال باخیر باشد. به همین خاطر شروع کرد به پرسیدن از احوال فامیل که از خواهرها و برادرم شروع می شد و مادر و پدر و خاله ها و دایی ها و بزرگترها... کوچکترا و نا به اسم نمی شناخت، ولی حال

بزرگترها را با اسم و لقب و سمت می پرسید و بنیابن صحبت ها هم پندیرایی. بعد از صحبت دربارهٔ فامیل، از سیمین خاتم جویای دلیل مرگ دایی جلال شدم و عذرخواهی کردم که او را به یاد خاطرات تلخ آن روز می اندازم و ادامه دادم که خیلی از جوان های دور و برم، وقتی باخیر می شوند که نسبت فامیلی با دایی جلال دارم، از من دربارهٔ علت مرگ دایی جلال سؤال می کنند و من پس از مدتی سکوت، سیمین خاتم از من پرسید:«علی جان، خودت چه فکر می کنی؟» من سری تکان دادم و اهسته گفتم:«من هیچ نمی دالم و می خواهم از شما بدانم» دوباره برای چند لحظه ای سکوتی فضا را پرکرد. سپس سیمین خاتم سکوت را شکست و گفت:«آخرین عکس جلال را که دیده ای؟» به علامت مثبت، سری تکان دادم. ادامه داد: «در این عکس، تمام ریش و سبیل و موهای جلال، همچون پیرمردی هفتاد- هشتاد ساله سفید است. در حالی که او پنجاه سال می نداشت... بعد هم دادم داد»من فکر می کنم که دایی ات را غم و غصهٔ این مردم و روزگار کشت. تو چنین فکر نمی کنی؟» سیمین خاتم، صدایش لرزان شد و دیگرم آن صلابت را نداشت. دیگر مرا نگه نمی کرد. نگاهش را دنبال کردم که به نقاشی اوخته بر دیوار اتاق دوخته شده بود که در آن، جلال ایستاده بر بلندی، غمگین، به جمع آدمیانی می‌نگرد که در صفی طولانی که از دشت های خاکستری یی پایانی می‌گذرد، سر در آغوش کشیده، در انتظار سرنوشت معلوم خویش اند. سکوتی سرد همه جا را فرا گرفته بود.

سعدی در یکی از قصائد که بخش‌هایی از آن را می‌خوانیم، در

خصوص درس گرفتن از گذشته و گذشتگان می‌گوید. چنان که انسان خردمند باید از آنچه دیده و شنیده تجربه بیاموزد و در زندگی به کار ببرد. به مقام و ثروت دل نبندد، پرتلاش و شیخواه باشد و امور را بر مبنای عقل که بزرگترین نعمت است در پیش گیرد:

بس بگردید و بگردرد روزگار دل به دنیا در نیندد هوشیار ای که دستم می‌رسد کاری بکن پیش از آن کر تو نیاید هیچ کار این که در شهنامه‌ام آورده‌اند رستم و رویوتنن اسفندیار تا بدانند ایسن خداوندان ملک کر بسی خلق است دنیا یادگار ای همه رفتند و مای شوخ چشم هیچ بگرفتم از ایشان اعتبار این همه هیچ است چون می‌بگذرد تخت و تخت و امر و نهی و گیر و دار نام نیکو گسر بمانند ز آدمی به کز او ماند سزای زرتگار سال دیگر را که می‌داند حساب؟ یا کجا رفت آن که با ما بود پاره؟ آدمی را عقلش باید در بدن ورنه چنان در کالبد دارد حماز پیش از آن کر دست بیرون برد از گمروش کینی زمزم اختیار گنج خواهی، در طلب رنجی بیر خرمینی بی‌یادیت، تخمی بکار مولانا جلال‌الدین، منادی عشق و صلح نیز از مفاخر ادبی ماست که در باب «خیر» سخنان نابی در «منثوی مرغی» بیان کرده است. به اعتقاد مولوی، خوبی‌کردن به مردم نصیبت بزرگی است و پرهیز از حسد، کینه و خشم، مایه آرامش روح و روان آدمی. خیرسر کن بسا خلق بهر آرزویت یاس برای راحت جان خودت ***

تا هماره دوست بینی در نظر در دلست یابند ز کین ناخوش صور شعر و ادبیات فارسی... لبریز از دروس زندگی است، دروسی که همگان باید احتیاج دارند و در همه اعصار راهنمای شایرست است، «خوبی‌کردن»، «خیر» و «اینکی» کلماتی کلیدی در فکر شاعران بزرگی مثل مولوی، سعدی، حافظ و فردوسی است. نزد این شاعران، خوب زندگی کردن، خوبی دیگران را خواستن، شاد زندگی کردن و شادی دیگران را خواستن، از جمله فضائل است. حافظ می‌فرماید: ده روز دور گردون آسمانه است و افسون نیکی به جای یاران فرصت شمار یارا حکیم ابوالقاسم فردوسی می‌فرماید: به نیکی بیایبد تن آراستن که نیکی تشاید ز کس خواستن وگرم بد کنی، جز بپند نادروی شادی در جهان شادامان نغوی توجه به امور تعلیم و تربیت، ضامن سلامت و پایداری اجتماع بشری است. انسان بدون تربیت اخلاقی و ارتقای فرهنگی، دچار نقایصی خواهد شد و متعاقب آن، جامعه مضمر می‌شود. مهم آن است که فقط به نقد اکتفا نکنیم بلکه در پی چاره‌جویی برآیم. یکی از راهکارهای اساسی، توجه به ادبیات فارسی و ادبیات جهانی است، زیرا بخش بزرگی از معارف بشری در آنها جای گرفته است. آثار آری بزرگان شعر و ادبیات ایران نظیر: مولوی، سعدی، حافظ، فردوسی، سنایی، نظامی، خیام، عطار نیشابوری و... همچنین نویسندگان بزرگ جهان نظیر: شکسپیر، ویکتور هوگو، چارلز دیکنز، جک لندن، آندره زید، سامرست مومام، داستایفسکی، ارنست همینگوی، جورج اورول، سروتانش و... که کتاب‌های آن کشور ما هم ترجمه شده و در دسترس قرار دارد. توجه به این امور و استفاده از ذخایر معنوی و فرهنگی، توجه به آینده فرزندان عزیز کشورمان است.

پنجشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۷ - ۲۵ ذی‌الحجه ۱۴۳۹ - ۶ سپتامبر ۲۰۱۸ - سال نود و سوم - شماره ۹۲- ۲۷۰

خوت‌انی

قصر شیرین، ای دیار آشنا!

محمدجواد محبت

سابقه چهارده سال معلمی در قصرشیرین، کتاب خاطراتی است که به‌واقع خواندن دارد. در جنگ ناخواسته مجبور به ترک بار و دیار شدیم. پس از خاتمه جنگ با آشنایی که در آن شهر دمخور ما بود، سری به قصرشیرین زدیم. دیدنی‌های قصرشیرین شگفتی‌زا بود این سروده که تاریخ دیدار آنجا را دارد (۸۱/۸۲۰) حلال و هوای ذهنی مرا پس از سال‌های دوری، بازگو می‌کند. این قصرشیرین خاک دامگیری دارد، یازند است.

قصرشیرین ای دیار آشنا سرزمین خرمی‌ها، مرجبا مرجبا بر خاک دامگیر تو مرجبا بر عشق خوش تأثیر تو بیج و تاب شاد الوند! خوش است یاد‌های گرم پیوندت خوش است دشمنت از کین به ویرانی کشید لیک از این نامردمی خیری ندید بوم شوم است آنکه ویران خواست چیزی افسزون کرد و چیزی کاستت مهر تو در سینه‌ها افشرد و رفت نسام خود با رنگ ننگ آلوده رفت خان و مانت را به کناراج آن که برد! لقمه دشنام و نفرین کرد و خورد گرچه بر رویت در تلخی گشود ببرد دشمن غیر رسوایی نبود گر به خاک اقتدا نخلی سرفراز عمر ایمان یباد در خاکست دراز دبدۀ مشتاقی غیر حیرت است غرق حیرت از تهیب غیبت است نخلی انجا، نخلی آنجا سوخته شعلۀ سبز از درون فروخته لطف حق رویانده یبار دیگرش داده با روش قرار دیگرش چشم عبرت دیدد بر ویرانه‌ها جلوه نازنغ سبز و تازه را با شگفتی‌هایی از این دست باب در گیاه و نخل و خاک و باد و آب پیش از این‌ها مژده‌ای در کار هست بازگو یا فرصت دیدار هست ای دیار آشنا، یادت به خیر سرزمین باصفا، یادت به خیر

به‌نویس:

۱- الوند: نام رودخانه قصرشیرین است
۲- از جمله به تاریخ رفته‌اند، دار و نلدار این بنده بود!

راه بهزیستی

دکتر عبدالحسین جلالیان

عمر یک بار و پس از طی نوان کرد دیوار دم غنیمت بود ای دوست غنیمت بشمار ثروت و مال میندوز، مگر قدر نیاز زیادت نیا ننوان برده به عقبا، زنهار مقصد باش، زیادت طلبی نیست صرفه جو باش و میر شانه خود زیر فشار بیسن چه کرده و بنیدیش چه با خود بردند خیال اجداد، ز مرد و زن و از ایل و تبار برگزین بین کسانی که در اطراف تواند بهر همزیستی نیک، از انسرار اخبار گر میسر شودت، یک بار سیر و سفر دیدنیهای جهان، دیدن هر شهر و دیار و رمیسر نبود سروسفر، باز بمان در دیار خود و با دلبر محبوب و نگار هیچ دانی که مهین کار چه باشد! بشنو بساده نوشیدن با دلبر و با بسوس و کنار باده با سواده گر امکان بود از دست منه خاصه در باغ و گل و سبزه و در فصل بهار چون «جالی» به هوی و به هوس عمر مبار ساز، با ساز و نی و مطرب و آواز هزار

پرواز باقصی

حسن اسدی(شبدیز)

فتنه تاختهٔ ثریا رفت، این خیر را به آسمان بدهید نیمی از کیهانشان به یغما رفت، آسمان را ستارهٔ بان بدهید کعبهٔ عشق را نکرده طواف، رمز عفا در آشنایهٔ قاف یک نفس مهر، یک نفس انصاف، به خدای پرندگان بدهید سینهٔ سرخان جوان جوان مرده، دشت، بخشیکده، دشتیان مرده در بهاری که از خزان مرده، به گل جان سپرده جان بدهید گلهٔ خواب را بپرانگد، نشسته نشسته سرباز را کدم مشک‌تان را از آب آکندم، نان‌من را به دیگران بدهید لاله خندید، پیرز آوردید، پرده رقصید، خنجر آوردید چگر عشق را درآوردید، تا به خویان، خودی نشان بدهید برگ، زیر تگرگ می‌میرد، غنچه، از مرگ برگ می‌میرد کی در این دشت، مرگ می‌میرد؟ زندگی را دمی زمان بدهید کشور دل، به نام غم زده‌ام، بر سنج شرم، علم زده‌ام عشق را یک پاله کم زده‌ام، می‌گسارن مرا امان بدهید عرش دارد دیواره می‌گرید، در عرای سستاره می‌گرید ماه در گابریه می‌گرید، آسمان را کمی تکان بدهید مثل ششبدیز» شائق محرم، در تاشم که با قصس بیرم تقسم را به آسمان بیرم، شهر خورشید را نشان بدهید

پنج رباعی

ساغر راد

۱- تا بارش نور عشق آمد به نوا پیراهن شب از آسمان گشت جدا هنگام طلوع صبح از گنبد عرش می‌خواد خدا آیهٔ الشمس و ضحا

۲- قربانی درد انتظارم بی تو پاییز خیزد در بهارم بی تو بد جور دلم گرفته باور کن که می‌خواد و هسوی گریه دارم بی تو

۳- ای نگار که در تائیه ها کم شده ای افسوس اسیر دست مردم شده ای زانو به بغل گرفته در جلد خودت در گیر توهم و تلاطم شده ای

۴- قربانی درد انتظارم بی تو پاییز خیزد در بهارم بی تو بد جور دلم گرفته باور کن که می‌خواد و هسوی گریه دارم بی تو

۵- ای نگار که در تائیه ها کم شده ای افسوس اسیر دست مردم شده ای زانو به بغل گرفته در جلد خودت در گیر توهم و تلاطم شده ای

خبر غرافی و... چهره‌های می‌آموزند، اما به مرور و غیر از آنچه در آینده ممکن است به حرفه و کارشان بیاید، چیز چندانی در حافظه آنها ثبت نمی‌شود. این ایراد اول است. ایراد دوم، فقدان دروس زندگی است.

وقتی درجایم، شاهد انواع بردفترای و نازاستی هستیم، وقتی افرادی مدام در پر خاشی به یکدیگر زنند، یا در حال دعوای خانوادگی، کار و زناشویی هستند یا به لحاظ روانی، عاطفی و اخلاقی دچار گرفتاری می‌باشند(آمارها) در این زمینه مایه نگرانی است)وقتی که اهداف اصلی افراد جامعه حول محور مادیات چرخ می‌زند و توجهی به معنای زندگی در کار نیست؛ ریشه این مسائل را در کجا باید بررسی کرد؟ به این سؤال از رویاهای مختلفی می‌شود جواب داد، چرا که دامنه بحث وسیع است. ولی اگر ضمن ذهن به دنبال راهکار هم باشیم، در همان کتاب نکات مهمی ذکر شده است.

آقای ملکیان در کتاب«گفت‌وگو با روشنفکران» می‌گویند:اگر ما می‌توانستیم ادبیات جهانی را ساده‌سازی کنیم و در اختیار کودکان و نوجوانان بگذاریم، یعنی اگر آثار مان‌نویسان بزرگ داستان‌نویسان بزرگ، شاعران بزرگ، نمایشنامه‌نویسان بزرگ و... را با حفظ محتوای ساده‌سازی می‌کردیم یا کودک و نوجوان ما شکسپیر، سروتانش و... را بشناسد که می‌تواند به عزم ناشرانی قوی و مستقل نیازمند است که کارشان فقط همین

برایم نوشتی
برایت نوشتم



آفتاب

۳۹۹

ضمیمه کودک و نوجوان روزنامه اطلاعات
پنجشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۷ - سال نود و سوم - شماره ۲۷۰۹۲



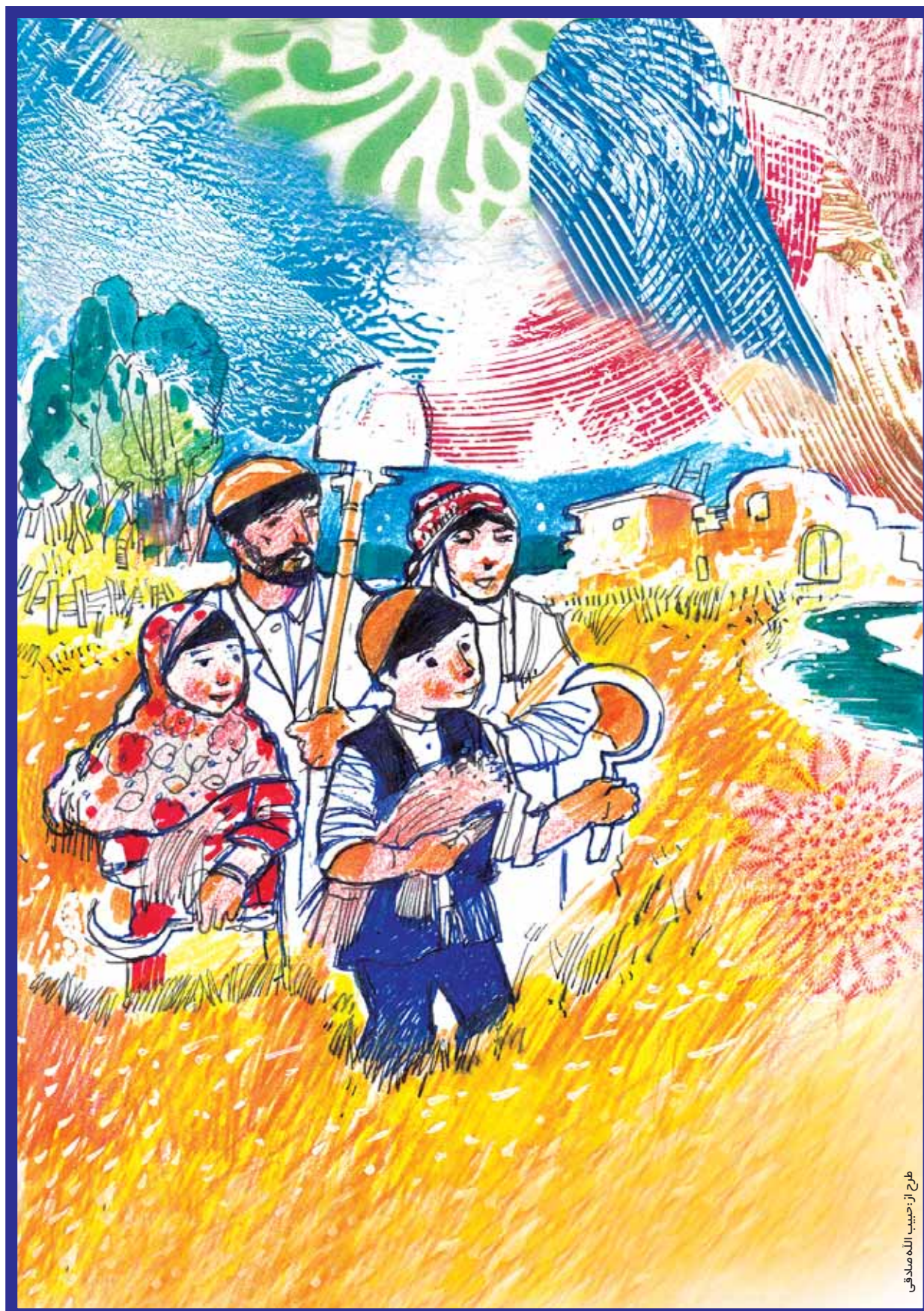
کودکانه‌ها



قصه‌های ایران



قاصدک کاغذی



بیا رسید وقت درو

تابستان دارد تمام می شود. شهریور آخرین رmq تابستان است و گرمای هوا هم از شدتش کاسته می شود. سبز تابستانی، جایش را به زرد پاییزی می دهد و خوشه های طلایی گندم، آماده درو کردن می شوند. فصل برداشت زحمات یک سال یک کشاورز است.

شهریور، ماه نتیجه گیری و برآورد زحمت زمینداران و هدیه گرفتن از زمین است.

شهریور، ماه کوچ عشایر، ماه سبک شدن درختان و آمادگی برای شروع برگریزان، ماه نتیجه گیری از تابستان و کوتاه کردن روزهای بلند و کشدار و آماده شدن برای پاییز است.

این روزها، هرچه تفریح و سفر و اوقات فراغت در خانه های جدول تابستانی جا مانده، زودتر پر کنید که با شروع پاییز و تغییر فصل، برنامه های زندگی هم باید حال و هوای تازه به خود بگیرند.

دسترنج تابستان

گندم یعنی آب و آفتاب و زمین. گندم یعنی دسترنج دو فصل زحمت یک کشاورز و سرمایه یک سال زندگی خودش و خانواده اش. گندم یعنی نان.

پس نان یعنی زندگی؛ زندگی ای که در گرو آفتاب و آب و زمین است. تکه های نان، تکه های زندگی هستند که آب و آفتاب و زمین و کشاورز به من و شما هدیه می دهند. هر تکه نان که دور انداخته می شود، یعنی همان اندازه آب، همان اندازه کار و تلاش یک کشاورز زیر آفتاب، همان اندازه پول، همان اندازه نعمت و برکت هدر می رود و همان اندازه به گرسنگی و فقر جهان اضافه می شود.



خوب است، حالا که فصل درو است، حالا که زمان جمع کردن دسترنج تابستان است، کمی به این همه امید و عشق به پای این خوشه های طلایی ریخته می شود، دقت کنیم.

اگر می توانیم ساعتی را در یک مزرعه در زمان درو کنار خرمن ها بنشینیم و به این همه تلاش نگاه کنیم.

شاید نان را با عشق و علاقه و احترام و قدرشناسی بیشتری در سفره مان قرار دهیم.

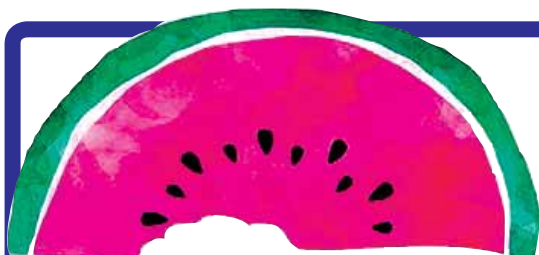
دسترنج خودمان

شهریور، ماه جمع کردن قوا و جمع بندی فعالیت های تابستان هم است.

همانطور که کم کم در همه خانه ها لباس های تابستانی جمع آوری می شوند، لباس های پاییزه از صندوق ها بیرون می آیند، وسایل مدرسه که از قبل مانده اند سر و سامان می گیرند و کم و کسری ها برای شروع سال تحصیلی جدید لیست می شوند، زمان بندی خواب و استراحت هم تغییر می کند. روزهای آسودگی و استراحت رو به اتمام می روند و سوت پایان برنامه های تفریحی و سرگرمی کم کم شنیده می شود.

خوب است در یک کاغذ، آنچه در تابستان انجام دادید، کارهایی که ناتمام مانده اند، نتایجی که باید می گرفتید و آنچه برای پاییز در نظر دارید را بنویسید تا روزهای باقیمانده را آن گونه که بهتر است سپری کنید و چشم باز نکنید ببینید اول مهر شده است و کلی از تابستان عقب مانده اید و برای پاییز هم آماده نیستید.





اسماعیل صوفی نژاد



ابر خیالی

من خواب دیدم روی ابرم
ابری شبیه هندوانه
این ابر را برداشتم زود
خیلی سریع بردم به خانه
یک قاچ از آن را خوردم اما
دیدم که طعم آن عجیب است
یک قسمتش طعم گلابی
یک قسمتش هم طعم سیب است
هم مزه نارنج می داد
هم طعم لیموی شمالی
به به عجب خوابی چه ابری
این ابر بود ابری خیالی

خانه‌های شهر ما

مجید ملامحمدی



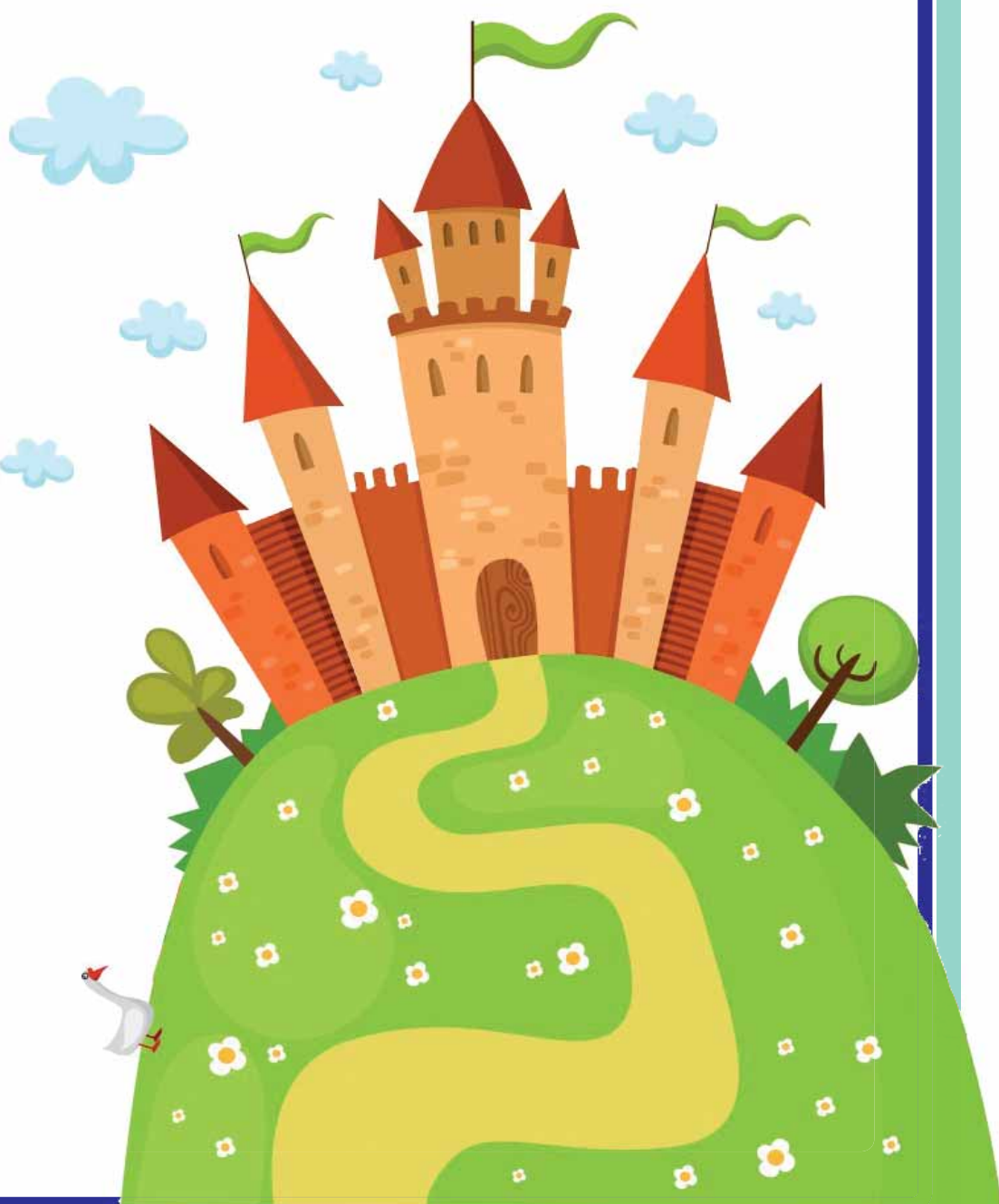
سر به دوش هم نهاده‌اند
بی صدا میان شهر ما
خانه‌های طاق گنبدی
خانه‌های پیر و بی‌ریا

مثل چند پیرمرد خوب
در کنار هم نشسته‌اند
پای چند آسمانخراش
ساکت‌اند و دلشکسته‌اند

روی دوششان لمیده‌اند
گره‌های خسته مهربان
پُر ز بق بقوی تازه است
چینه‌های کاهگلی‌شان

شهر رفته‌رفته می‌شود
پر ز آسمانخراش‌ها
می‌برد ز یاد خود چه زود
کوچه‌های تنگ و ساده را

خانه‌های طاق گنبدی
ذره ذره آب می‌شوند
زیر چنگ‌های آهنی
یک‌به‌یک خراب می‌شوند



امان از شکم!

سیدرضا تولایی زاده



عصر یکی از روزهای آخر تابستان، پارسا با مادر و خاله منصوره برای خرید به یکی از خیابان‌های شلوغ شهر رفت و طبق روال، لجبازی‌هایش را شروع کرد!

پارسا به طرز سیری‌ناپذیری هرچه می‌دید می‌خواست و آن روز هم به قدری غرغر کرد که مادر و خاله خرید را نیمه‌کاره رها کردند و بازگشتند.

موقع خداحافظی، خاله گفت که شوهرش شب در بیمارستان کشیک است و خوب است تنها نماند و آن‌ها هم بروند خانه او.

همه خسته بودند و فوری به خانه برگشتند و شام ساده‌ای خوردند و با چند فنجان چای به صندلی‌های راحتی پناه بردند.

فقط پارسا با اشتها بی‌حیرت انگیز لقمه‌ها را یکی پس از دیگری وارد دهانش می‌کرد و آنقدر به خوردن ادامه داد تا غذا تمام شد و چند دقیقه بعد هم جلوی تلویزیون خر و پفش به هوا رفت!

کمی بعد خوابی که او را به دنیای شیرین رویاهایش برد با احساس تشنگی شدید، از بین رفت و پارسا بیدار شد. نم نم به

طرف یخچال رفت و شیشه آب خنک را قلمپ قلمپ سر کشید که همزمان چشمش به چند تکه سوسیس بزرگ و پیتزای باقیمانده افتاد. بلافاصله آنها را بدون کمترین استفاده از دندان، قورت داد و خودش را سریع به رختخواب رساند و دوباره غرق خواب شد.

صبح فردا، زیبا و روشن رسید اما برای پارسا روزی تیره و تار با دل دردی سخت بود که کارش را به بیمارستان رساند.

مسمومیت شدید غذایی و چند روز بستری در بیمارستان، هدیه همان چند تکه سوسیس و پیتزای مانده بود به معده و روده پارسا!

مادر و پدرش هم در فکر تنبیه مناسبی برای پارسا و اشتهای سیری‌ناپذیرش بودند و داستان به همین بیمارستان ختم نمی‌شد.

پارسا روی تخت بیمارستان با خودش فکر کرد آیا دو سه لقمه فست فود به این همه دردسر می‌ارزد؟

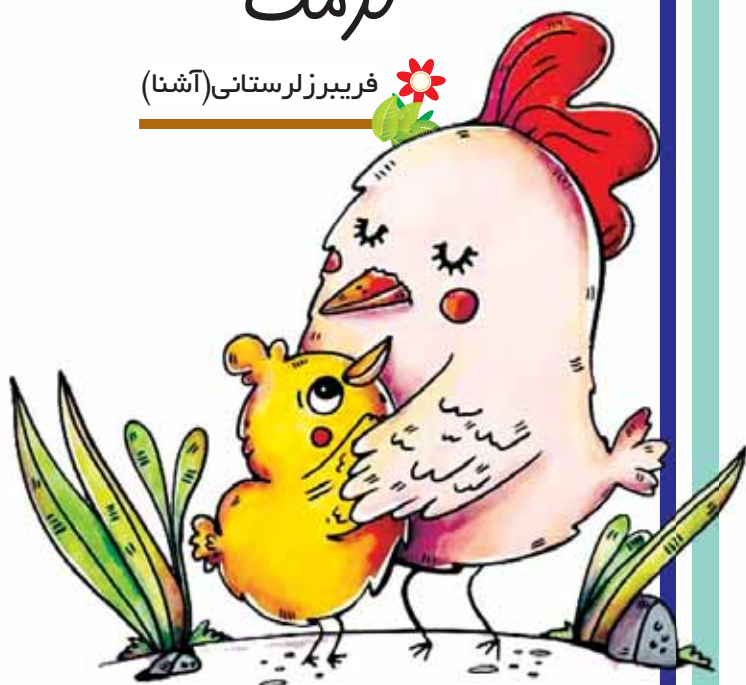
بہتر نیست جلوی شکمش را بگیرد؟

ولی امان از وسوسه‌های شکم!



نرمک

فریبرز زلرستانی (آشنا)



مادر با کاموا یک جوجه برایم درست کرده است.
من صورت جوجه را روی صورتم می‌گذارم.
خیلی نرم است. آن را می‌بوسم و می‌گویم: چه
جوجه کوچولوی نرمی. اسمت را می‌گذارم نرمک.
نرمک آهسته می‌گوید: جیک.
بعد هم چشم‌هایش را می‌بندد.
من می‌گویم: مادر، نرمک خوابید!
مادر نرمک را نگاه می‌کند. دستش را جلوی دهنش
می‌گیرد و خمیازه می‌کشد.
من فکر می‌کنم چون مادر نرمک را تازه درست
کرده است دوتایی خسته هستند.
برای همین نرمک را روی پایم می‌گذارم تا بخوابد
و بعد با هم بازی کنیم.

مامان کانگروی خسته

من یک کانگروی عروسکی دارم که توی
کیسه‌اش یک کانگروی کوچولو دارد.
مامان کانگرو همیشه روی پاهایش می‌پرد و
این طرف آن طرف می‌رود.
امروز مامان کانگرو عصبانی بود.
مرا صدا زد و گفت: خیلی خسته‌ام. این بچه
می‌خواهد بخوابد؛ می‌شود برایش یک لالایی
بخوانی؟

من به کانگرو کوچولو لبخند زدم. کانگرو
کوچولو با مهربانی مرا نگاه کرد. من هم
یک لالایی خیلی قشنگ برایش خواندم.
کانگرو کوچولو چشم‌هایش را بست و
خوابید.

وقتی خواستم به مامان کانگرو
بگویم کوچولوش خوابیده، مامان
کانگرو هم خوابیده بود.





جشنواره بین المللی قصه گوئی

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با انتشار فراخوانی، از علاقه‌مندان برای شرکت در بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی قصه‌گوئی دعوت کرد. محور موضوعی جشنواره: «قصه زندگی من» (زندگی بهتر، غم و شادی) است.

تفاوت اصلی این دوره با جشنواره‌های قبلی، بخش قصه‌های ۹۰ ثانیه‌ای است که عزیزان ۱۴ تا ۱۸ سال، بزرگترهای ۱۸ سال به بالا و حتی مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها می‌توانند در آن شرکت کنند. مهلت ارسال آثار تا ۲۵ شهریور ۱۳۹۷ است و اطلاعات بیشتر در سایت جشنواره به آدرس: www.kanoonfest.ir قرار دارد.



کتاب‌های صوتی

کودکان، نوجوانان و نابینایان

کتابخانه فرهنگسرای فردوس با همکاری کتابخانه ملی، پنجمین جشنواره تولید کتاب‌های صوتی کودکان، نوجوانان و نابینایان را برگزار می‌کند.

جشنواره تولید کتاب‌های صوتی کودکان، نوجوانان و نابینایان، برنامه‌ای است که کتاب‌های مناسب گروه‌های سنی کودکان و نوجوانان را، با کمک داوطلبان و



علاقه‌مندان تبدیل به کتاب صوتی می‌کند. اگر علاقه‌مند هستید در این کار مشارکت داشته باشید کافی است تا ساعت بیست و چهار سی مهر ۱۳۹۷ در این جشنواره ثبت‌نام کنید. سپس از سایت بخش کودک کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران یک یا هر تعداد کتاب را که مایلید انتخاب کنید. آن کتاب را در محیطی مناسب بازخوانی و صدای خود را ضبط کنید و فایل صوتی آن را به دبیرخانه بفرستید. اطلاعات تکمیلی در سایت: www.ketabkhanimajazi.ir است.

کتاب و نوشت افزار ایرانی

از این هفته در بیشتر شهرها، نمایشگاه‌های پاییزه برای خرید وسایل مدرسه برپاست.

این نمایشگاه‌ها پر از شور و شوق و رنگ و ذوق دانش‌آموزان هستند.

حتماسر بنزید و سعی کنید از وسایلی که تولید داخلی هستند، زیاد گران نیستند و خانواده‌ها می‌توانند آن‌ها را تهیه کنند خرید کنید.

دفترهای بزرگ ۲۰۰ برگ یا قطع بزرگ نخرید؛ هم حمل آنها سنگین

است هم ممکن است کثیف شوند و نیمه کاره دلزده‌تان کنند. به جای آن چند دفتر ۱۰۰ یا ۶۰ برگ بگیرید که هم کیف مدرسه‌تان سنگین نشود، هم آخر سال ورق‌های سفید و نانوشت‌ه و بی‌استفاده در آن دفترها باقی نمانند و جان درختان بسیار، برای تولید کاغذهای بیشتر گرفته نشود.





نام تو بهار است

خدایا با تو سخن می گویم. نام نکوی تو بر لبم جاری است و می دانم که تو بر همه چیز مختاری. ای هستی یگانه، تو کجایی؟ ای جان ماندگار، تو مالک زندگی های جهانی. از نام نکوی تو، دلم شکوفه باران می شود.

با یاد تو، همیشه بهار می شوم.

زینب کیماسی - ۱۷ ساله



ماهی کوچک



روزی روزگاری ماهی صورتی کوچکی در رودخانه زندگی می کرد که فکر می کرد خیلی تنهاست. چون همیشه بچه ها و پدرها و مادرها می آمدند و ماهی های

دیگر را با خودشان می بردند ولی به او نگاه نمی کردند. ماهی کوچولو از این فکر خیلی غصه می خورد. اما این واقعیت نداشت و فکر او درست نبود. ماهی صورتی، پری دریایی کوچکی بود که در رودخانه زندگی می کرد و کسی او را نمی شناخت.

روزی دختر مهربانی آمد و توانست پری دریایی را در رودخانه ببیند.

پری به او گفت دوست دارد کنار دختر باشد و او هم این راز را حفظ کرد و ماهی صورتی را با خودش به خانه برد و در آکواریوم کنار اتاقش نگه داشت تا روزی که پری دریایی بزرگ شود و بخواهد به دریا برود به او کمک کند. از آن روز به بعد هر دو خیلی خوشحال بودند.

سوفیا سادات بهشتیان - ۸ ساله



کسی چه می داند؟

نیمه شب شده است. ماه تابان و درخشان که همیشه مثل تاجی زیبا و دلربا در آسمان می درخشید، پراز لکه های سیاه و قرمز شده است. هیچ وقت ماه را این طوری ندیده بودم. این بزرگ ترین ماه گرفتگی ای بود که می دیدم. تکه های سیاهی کم کم بزرگ و بزرگ تر شدند و بیش از نیمی از آن را پوشاندند. در همین حال، بازمانده کورسوی دلگرم کننده ماه ناگهان ناپدید شد. ابری چموش و بازیگوش روی آن را پوشاند و بعد از کمی شیطنت روزنه باریکی از نور برایم باز کرد.

با خودم فکر کردم شاید ماه از ناراحتی و خیلی اتفاقات دیگر حالش خوب نیست و تیره و قرمز شده است؛ کسی چه می داند؟

خیلی از ما آدم ها هم در بعضی از روزهای زندگی، دلمان می گیرد و ممکن است که برای لحظات و ساعت هایی این دل گرفتگی، قلبمان را هم در آسمان وجودمان تیره و تار کند.

دوباره نگاهم به ماه افتاد که کاملاً نامرئی شده بود. درست مثل ما که گاه قلبمان مثل ماه می گیرد و با درد دل با خالق مهربان، باز مثل روز اول می شویم.

با خودم فکر می کنم افکار منفی، کینه ها و ترس ها و بدبینی ها حتماً وجود ما را

بی نور و ترسناک می کنند، مانند همان لکه های کوچک روی قلب و دلمان می نشینند و نم نم تاریکمان می کنند و نور را از مامی گیرند.

ماه گرفتگی تمام شد و ماه دوباره روی روشن و تابانش را نشان داد. ما هم خیلی زود باید به دلمان توجه کنیم تا غرق روشنایی شویم.

نوید صنعتی - ۱۵ ساله



دوستان عزیز

کم کم به روزهای پایانی شهریور و روز جهانی صلح (۳۱ شهریور) و اول مهر و زمان بازگشایی مدارس نزدیک می شویم. چنانچه نوشته و پیامی در این باره دارید همین الان کاغذ و قلم بردارید و جملات زیر

را هرطور می خواهید کامل کنید و برایمان بفرستید:

- ۱- صلح از نظر من یعنی ...
- ۲- صلح را از کودکی باید آموخت، زیرا ...
- ۳- مدرسه جایی است که ...

- ۴- به مدرسه می روم زیرا ...
- ۵- دوباره پاییز و ...
- ۶- دوباره مدرسه و ...

نوشته هایتان را به آدرس زیر ایمیل کنید:

aftabmahtab@ettelaat.com



امروز در تاریخ

۲ بهانه برای دولت لندن

۱۵ شهریور ۱۲۹۴ معاون کنسولگری انگلستان در بوشهر مورد حمله قرار گرفت و به ضرب گلوله مجروح شد. این حادثه که متعاقب تیراندازی دهم شهریور آن سال به کنسول انگلستان در اصفهان صورت گرفته بود دو بهانه به دست انگلیسی ها که در انتظار آن بودند، داد تا حضور نظامی خود در ایران مخصوصاً در خوزستان را گسترش دهند و به «ستوفی» نخست وزیر وقت اولتیماتوم دهند که استاندار فارس را عزل کند که ستوفی چنین کرد!

اجباری شدن درس ورزش

اجباری شدن درس ورزش در مدارس ایران از ۱۵ شهریور ۱۳۹۶ قانون شد و قرار شد که از آغاز سال تحصیلی (دو هفته بعد) به برنامه هفتگی مدارس اضافه شود در آن زمان هدف از درس ورزش، تندرستی و آشنا شدن دانش آموزان با تاریخچه و اصطلاحات بازی ها بود، نه تماما تمرین فوتبال و والیبال و ورزشکار حرفه ای که در کشور کم است...

اعتراض مصدق به تبعید غیر قانونی اش

دکتر محمد مصدق پانزدهم شهریور ماه ۱۳۳۵ به تبعید
غیر قانونی خود به احمدآباد سلو جیاب اعراض کرده بود، زیرا
که به چنین تبعیدی محکوم نشده بود.
خود وی نوشته است که در آستانه اتمام دوره محکومیت،
او را تحت الحفظ از زندان به احمدآباد بردند و در اینجا به حالت
تبعید (حصص) قرار دادند.

تولد نویسنده «راه‌ها به کجا ختم می‌شوند»

«ماریو مونته فورتو تولدو» داستان نگار شهیر گواتمالایی و یکی از نویسندگان بزرگ قرن ۲۰ در زبان اسپانیایی چهارم سپتامبر ۲۰۰۳ در ۹۲ سالگی دیده از جهان فرو بست. وی ۱۵ سپتامبر ۱۹۱۱ بدنيا آمده بود. معروفترین داستان او «راه‌ها بد کجا ختم می‌شوند» عنوان دارد که برپایه آن فیلم مشهوری نیز پهنده شده است.

عبدالقادر قهرمان ملی الجزایری ها

ششم سپتامبر زادروز عبدالقادر جزایری، قهرمان ملی الجزایری ها است که در ۱۸۰۸ به دنیا آمد و در ۲۶ ماه می ۱۸۸۳ در ۷۵ سالگی در دمشق درگذشت. وی نه تنها یک رهبر سیاسی- نظامی، بلکه یک فیلسوف و اندیشمند بود. او سال ها با فرانسه جنگید تا وطنش مستعمره نشود و در طول این مبارزات، نوعی تازه از جنگ های غیر منظم را ابتکار کرد. او با اسیران فرانسوی و فراری جولنمردهان داشت و گاهی هم آنان را بدون عوض آزاد می کرد.

www.iranianshistoryonthisday.com

قاب امروز



نمایشگاه ملی صنایع دستی / ایرنا

سرایه

ای چرخ فلک خرابی از کینه تست
بیدادگری پیشه دیرینه تست
ای خاک اگر سینه تو بشکافند
بس گوهر قیمتی که در سینه تست
خیام

یندیروگان

- بهترین مهمان کسی است که کم بیاید و زود برود.
سقراط

- بیش از آنکه خزان از راه برسد ، از هر بهار بهره مند شو.
ویکتور هوگو

۲۲۷۵ سودوگو

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | ۲ | ۸ | | | ۹ | ۴ | ۵ | |
| | ۵ | | | | | | | |
| ۳ | | | | | ۱ | | | |
| ۸ | | | | ۱ | | | | ۵ |
| ۷ | | ۴ | ۸ | | ۵ | ۹ | | ۲ |
| ۹ | | | | ۴ | | | | ۳ |
| | | | ۷ | | | | | ۴ |
| | | | | | | | ۹ | |
| | ۹ | ۷ | ۵ | | | ۲ | ۸ | |

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| 5 | 1 | 2 | 7 | 3 | 9 | 6 | 8 | 4 |
| 6 | 8 | 4 | 5 | 1 | 2 | 7 | 3 | 9 |
| 7 | 3 | 9 | 6 | 8 | 4 | 5 | 1 | 2 |
| 2 | 5 | 1 | 9 | 4 | 7 | 3 | 6 | 8 |
| 3 | 7 | 6 | 2 | 5 | 8 | 9 | 4 | 1 |
| 9 | 4 | 8 | 1 | 6 | 3 | 2 | 5 | 7 |
| 8 | 2 | 5 | 3 | 9 | 1 | 4 | 7 | 6 |
| 1 | 6 | 7 | 4 | 2 | 5 | 8 | 9 | 3 |
| 4 | 9 | 3 | 8 | 7 | 6 | 1 | 2 | 5 |

حل ۲۲۷۴

جدول شرح در متن ۴۷۸۸

[illegible]

چهل سال پیش...

نظامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز چهارشنبه ۱۵ شهریور ماه ۱۳۵۷
(برابر با ۳ شوال ۱۳۹۸، ۶ سپتامبر ۱۹۷۸) نقل شده است

کابینه شریف امامی یکشنبه به مجلس معرفی میشود

مهندس جعفر شریف امامی نخست وزیر برای معرفی کابینه و تقدیم برنامه دولت طی نامه‌ای به روسای دو مجلس خواستار تشکیل جلسات علنی فوق‌العاده شد. مهندس ریاضی رئیس مجلس شورای ملی صبح امروز اعلام کرد که با دریافت نامه دولت به نمایندگان اطلاع داده شد که ساعت ۹ بامداد روز یکشنبه بیستم شهریور ماه جاری در جلسه علنی فوق‌العاده این مجلس شرکت کنند.

حمله مسلحانه به یک اداره شهربانی

تهران - خبرگزاری پارس حدود ساعت ۴ و ۴۵ دقیقه امروز افراد ناشناسی با مسلسل به نگهبان درب یکی از ادارات شهرداری کشور شانهشاهی حمله کردند که در نتیجه نگهبان مذکور بنام پاسبان صفر زیدعلی به شهادت رسید. عناصر مهاجم و تروریست پس از پرتاب یک عدد نارنجک که خوشبختانه منفجر نشده است متواری شدند.

خوابکاران یکدستگاه اتومبیل جیپ از خود بجای گذاردند. در بازرسی هائی که از درون این اتومبیل بعمل آمده است تعدادی بطری آتش زا و یک عدد بشکه بزرگ محتوی بنزین بدست آمده است.

اعلام جرم سندی کی نویسندگان و خبرنگاران
علیه وزیر اطلاعات سابق

ساعت ۹ صبح دیروز محمدعلی سفری دبیر
سندیکیا نویسنده‌گان و خبرنگاران مطبوعات با دکتر
محمد باهری وزیر دادگستری ملاقات کرد و اعلام جرم
هیأت مدیره سندیکای مزبور را علیه داریوش همایون
وزیر سابق اطلاعات و جهانگردی تسلیم وزیر دادگستری
کرد در این اعلام جرم تصریح شده داریوش همایون بانها
سوء استفاده از موقعیت و مقام خود علما و عاملان مانع
انجام وظایف قانونی نویسنده‌گان کرد.

دگرگونی وسیع در دانشگاه‌های سراسر کشور

صبح امروز شاهشاه آریامهر دکتر هوشنگ نهاوندی وزیر علوم و آموزش عالی را بخصوص پذیرفتند و در این شرفیابی روسای جدید دانشگاهها و موسسات آموزش عالی را به پیشگاه ملوکانه معرفی نمود.

استاد دکتر عبدالله شیبانی رئیس دانشگاه تهران، دکتر
عبدالعلی جهانشاهی استاد دانشگاه و رئیس سابق دانشگاه
ملم، سمت رئیس این دانشگاه.

دکتر قباد فتحی استاد دانشگاه آذر ابادگان بسمت
رئیس این دانشگاهه دکتر محمد امین استاد و قائم مقام
نایب التولیه دانشگاه آریامهر بسمت رئیس دانشگاه آریامهر
اصفهان، دکتر حسینی انواری استاد و معاون دانشگاه
آریامهر بسمت رئیس دانشگاه صنعتی آریامهر تهران و ...

شایعه تعطیلی فردا تکذیب شد

شایعه انتشار اعلامیه روحانیون قم، مبنی بر تعطیلی روز پنجشنبه (فردا) از سوی حضرات آیات عظام در قم تکذیب شد.

مقارن ظهر امروز سخنگویان حضرات آیات
عظام شریعتمداری، گلپایگانی و مرعشی نجفی در قم
به خبرنگار اطلاعات در این شهر اظهار داشتند: چون از
دیشب در شهر قم شایع شده بود که فردا، پس فردا از
سوی حوزه علمیه و مراجع تقلید تعطیل عمومی اعلام
گردیده است، ظهر امروز نظر آقایان مراجع عالیقدر در قم
راجع باین شایعه اعلام شد و آقایان مراجع اظهار فرمودند
که هیچگونه اعلامیه‌ای در این زمینه از طرف آنان صادر
نشده و مطلبی هم در این باره از سوی آنان اظهار نشده
است.

تشکیل اجتماعات بدون اجازه ممنوع است

بطوریکه هم میهنان عزیز آگاه هستند دولت از بدو تشکیل هم خود را مصروف رعایت آزادیهای قلم، بیان و اجتماعات ساخته است ولی متأسفانه دست‌هایی پنهان با استفاده از روشهای شناخته شده درصد سوء استفاده از این شرایط برآمده است و با تشکیل اجتماعات و ترتیب تظاهرات مطالبی را که صریحاً برخلاف قوانین کشوری است مطرح می‌سازد و با دست زدن به اغتشاش و تخریب و با سلب آسایش و امنیت موجب نگرانی همگان را فراهم می‌آورد.

در برابر این مخاطرات و به منظور تامین آسایش عموم و جلوگیری از اقدامات خرابکارانه، دولت مقرر میدارد که تشکیل اجتماعات با اجازه شهرداری و فقط در محل‌هایی که موجب سد معبر نباشد آزاد است.